


## بررسی نقش جنسیت در گزینش نیروی انسانی در سیره رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ

محمدتقی نوروزی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

mtnorzi@yahoo.com

ab.tavakkoli@gmail.com

amiri\_110@yahoo.com

 orcid.org/0009-0002-1160-7871

عبدالله توکلی / دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

عبدالحمید امیری / دکتری مدیریت جامعه المصطفی العالمية

دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

### چکیده

در مدیریت منابع انسانی نقش جنسیت در گزینش نیروی انسانی بررسی گردیده است و چون این بحث با رویکرد غیردینی مطرح شده، گزینش زنان در همه مشاغل بدون قید خاصی انجام می‌شود. در جوامع اسلامی نیز امروزه زنان وارد مشاغل گوناگون شده‌اند، درحالی‌که حضور آنها در محل کار سبب برخورد با نامحرمان می‌شود. ازاین‌رو ضرورت دارد مشاغل زنان از دیدگاه اسلام بررسی گردد. بنابراین تحقیق حاضر سعی بر آن دارد تا نقش جنسیت در گزینش نیروی انسانی را با توجه به سیره رسول اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ با روش «توصیفی و تاریخی» بررسی کند. آنچه از بررسی سیره حضرت رسول اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ به دست می‌آید، این است که بانوان در صحنه‌های گوناگون حضور داشته و هیچ معنی از طرف آنان صادر نشده است. پس گزینش بانوان در مشاغل گوناگون هیچ معنی ندارد، اما در محیط کار و سازمان باید احکام اسلامی رعایت شود. در صورت نقض قوانین اسلامی آن کار برای زن حرام است.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، گزینش، سیره، نیروی انسانی.

در مدیریت رایج از حیث نظری استخدام بر اساس جنسیت ممنوع و غیرقانونی تلقی می‌شود، مگر اینکه احراز شود جنسیت داوطلب رابطه‌ای مستقیم با انجام شایسته آن شغل دارد (سعادت، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱). پس در بیشتر سازمان‌های ملی و بین‌المللی گزینش زنان و مردان به صورت برابر و بدون ترجیح یک طرف انجام می‌شود. در عصر کنونی زنان در کشورهای اسلامی نیز مانند سایر کشورها وارد بازار کار می‌شوند و پست‌های گوناگونی را برعهده می‌گیرند. با این حال اسلام زن را متمم حیات انسانی در مسائل اجتماعی، اخلاقی و قانونی می‌داند و برای او ارزش قائل شده، برای زن همان استقلال اقتصادی را قائل است که مرد از آن حق برخوردار است. اسلام این حقیقت را به ندیای بشری اعلام کرده که زن و مرد از نظر دارا بودن روح کامل انسانی باهم برابرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۱۴).

به هر حال اسلام احکام و قوانین خاص خود را دارد که برای همیشه تغییرناپذیر بوده و تقلید کورکونه از دیگران بدون توجه به ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی جایز نیست. این در حالی است که در سازمان‌های غیراسلامی فقط به بهره‌وری مادی توجه می‌شود، اما در سازمان‌های اسلامی رشد معنوی و ارزشی کارکنان برای سازمان مهم است. از این رو بر مدیران منابع انسانی اسلامی لازم است هنگام گزینش نیروی انسانی به مسئله گزینش زنان توجه نمایند، با این شرایط که زنان در خانه عهده‌دار دو شغل الهی هستند: همسررداری و مادری. از این رو جا دارد مسئله اشتغال زنان در سیره حضرت معصومه علیها السلام بررسی گردد تا نظر دین مبین اسلام درباره اشتغال زنان معلوم شود که آیا استخدام نیروی انسانی در تمام مشاغل و مناصب باید جنس مرد و زن بالسویه باشند و یا جنسیت در برخی از مناصب و مشاغل تأثیرگذار است؟ بنابراین مسئله‌ای که در این تحقیق بررسی می‌گردد، این است که با توجه به سیره عملی و گفتاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام جنسیت افراد جویای کار چه نقشی در استخدام و گزینش آنها دارد؟

برای بررسی این مسئله ابتدا مفاهیم «جنس» و «جنسیت» بررسی و سپس تحلیل می‌شود که در سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام زنان چه مشاغلی برعهده داشته‌اند و از چه مشاغلی نهی شده‌اند تا بتواند راهگشای بانوان نسبت به پذیرش مسؤلیت‌های اجتماعی آنها در کشورهای اسلامی باشد. اکنون سؤال اصلی این است که در سیره حضرت معصومه علیها السلام در واگذاری مناصب به داوطلبان کار، چه تفاوت‌هایی بین مرد و زن وجود دارد؟

### پیشینه

درباره گزینش و اشتغال زنان در منابع اسلامی تحقیقاتی صورت پذیرفته است؛ از جمله:

- صمصام‌الدین قوامی (۱۳۸۶) در کتاب *مدیریت از منظر کتاب و سنت* درباره اشتغال و گزینش زنان به بحث پرداخته و گزینش زنان از دیدگاه وحی و سنت را مطرح ساخته و در بحث سنت، فقط به سنت عملی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام اشاره نمود است.

- فهیمه ملک‌زاده (۱۳۹۲) در کتاب *تأثیر جنسیت بر اشتغال*، تأثیر جنسیت بر اشتغال را بررسی کرده است. او بیان می‌دارد نرخ مشارکت زنان در جهان نسبت به مردان پایین‌تر است و این امر با متغیرهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مرتبط است. او از سیره نبوی و علوی در خصوص مشارکت اجتماعی و اشتغال زنان بحثی نکرده است.

- ولی الله نقی پورفر (۱۳۸۲) در کتاب مجموعه مباحثی از مدیریت اسلامی به بحث درباره شخصیت و جایگاه شغلی زنان و همچنین جایگاه اجتماعی آنها پرداخته و مباحثی را در این زمینه مطرح کرده است؛ مانند زن در جایگاه شهادت، زن در جایگاه قضاوت، زن در جایگاه مدیریت زنان و داشتن قائم مقامی مرد، ارتباط کارمند و ارباب رجوع مرد با کارکنان زن، و اینکه وظیفه اصلی و شغل اولی زن همسررداری و مادری است و اشتغال زنان در جامعه شغل سوم آنها به حساب می آید، همچنین بیان ویژگی های زنان و رابطه کلی زنان و مردان در منزل و جامعه.

- عبدالله توکلی و ابوالفضل گائینی (۱۳۹۲) در کتاب مدیریت منابع انسانی با رویکرد اسلامی بحث گزینش زنان و اشتغال آنها را بررسی کرده اند و در آن به چگونگی حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و اشتغال آنها پرداخته و مواردی از حضور زنان در فعالیت های اجتماعی در سیره عملی رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ، همچنین اشتغال زنان در ایران در هفت مقوله شغلی را بیان نموده و اشاره کرده اند که گروه های شغلی زنان نسبت به مردان بسیار اندک است. در حالی که مردان ۳۶ گروه شغلی دارند، زنان در کل کشور تنها ۱۰ گروه شغلی دارند.

- محمدمهدی نادری قمی و رجبعلی فهیمی (۱۳۹۳) در مقاله «معرفی مشاغل جنسیتی از منظر اسلام»، مشاغل جنسیتی از دیدگاه اسلام را بررسی کرده و در آن به تقسیم مشاغل جنسیتی پرداخته و بر تقسیم کار بر اساس اصول جنسیت در اسلام صحنه گذاشته و به این نکته اشاره نموده است که اسلام با الگوی تقسیم جنسیتی مشاغل در کنار کارهای مشترک نظر موافق دارد.

آنچه این تحقیق را از تحقیقات دیگر متمایز می کند آن است که در این تحقیق، اشتغال زنان در سیره رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ، اعم از سیره عملی، تقریری و گفتاری بررسی شده و اهمیت این تحقیق در آن است که تا آنجا که نگارنده بررسی کرده تاکنون در این زمینه (نقش جنسیت در گزینش نیروی انسانی در سیره عملی، تقریری و گفتاری رسول اکرم ﷺ و سیره عملی، تقریری و گفتاری امیرالمؤمنین ﷺ) تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. از این رو تحقیق حاضر جدید به حساب می آید.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱-۱. جنس

«جنس» یعنی: مؤنث یا مذکر بودن و «جنسیت» یعنی: همجنس و همجنس بودن (انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۱۹۹).

مفهوم «جنس» و «جنسیت» با همدیگر قرابت ها و تفاوت هایی دارد؛ اولی از مفاهیم واقعی است و حکایت از ویژگی های طبیعی زن و مرد دارد. از این رو تفاوت های جنسی بیانگر تفاوت های کالبدی و زیستی زن و مرد است. اما «جنسیت» یک مفهوم اعتباری است و به مجموعه ای از صفات و رفتارهای زنانه و مردانه که ساخته و پرداخته جامعه باشد، گفته می شود. در مباحث اسلامی، جنسیت حاکی از نحوه هستی است و به اصطلاح فلسفی، مابازای خارجی و یا وجود مستقل ندارد (نادری قمی و فهیمی، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

آنچه قطعی است این است که جنس افراد در گذر زمان تغییر نمی کند، اما جنسیت تحت تأثیر تغییرات اجتماعی قرار می گیرد. جنسیت ممکن است بین فرهنگ های جوامع گوناگون متنوع باشد.

### ۱-۲. گزینش

«گزینش» یعنی: برگزیدن، انتخاب کردن، انتخاب (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۶۱۷۸). گزینش فرایند گردآوری اطلاعات به قصد ارزیابی و تصمیم گیری در این زمینه است که چه کسی باید با رعایت موازین قانونی و با در نظر گرفتن منافع نزدیک و دور فردی و سازمانی در کار پذیرفته شود (توکلی و گائینی، ۱۳۹۲، ص ۸۲).

چنان که از تعریف لغوی «گزینش» پیداست، کلمه «گزینش» عبارت از انتخاب است و «انتخاب» را این گونه تعریف کرده‌اند: به فرایند گزینش مناسب‌ترین افراد برای پست‌ها از گروه متقاضیان کار، «انتخاب» گفته می‌شود (سیدجوادین، ۱۳۸۳، ص ۳۳۳).

### ۱-۳. نیروی انسانی

گروهی از افرادی را که در یک سازمان مشغول به کارند «نیروی انسانی» و یا «منابع انسانی» می‌گویند (عبداللهی و نوه‌ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

### ۱-۴. سیره

«سیره» در زبان عربی از ماده «سیر» به معنای حرکت، رفتن و راه رفتن است. «سیره» یعنی: نوع راه رفتن و بر وزن «فعله» است. این وزن در زبان عربی بر نوع سیر دلالت می‌کند؛ یعنی: نوع و سبک راه رفتن (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۴۷). راجب اصفهانی درباره این واژه می‌نویسد: «سیره حالت و روشی است که انسان و غیرانسان، نهاد و وجودشان بر آن قرار گرفته، خواه غریزی باشد و خواه اکتسابی». گفته می‌شود: فلانی سیره و روش نیکو یا سیره و روش زشت دارد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۵۲).

### ۲. روش تحقیق

این تحقیق از نگاه هدف، بنیادی است؛ یعنی هدف آن کشف حقایق بیشتر و ابزار آن گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. در این روش که به آن روش «مطالعه‌ای» نیز می‌گویند، محقق تحقیق خود را از راه مطالعه منابع گوناگون انجام می‌دهد (دهنوی، ۱۳۷۶، ص ۲۲). از نظر تحلیل داده‌ها «توصیفی - تاریخی» است.

تحقیق توصیفی آنچه را که هست توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط یا روابط موجود، عقاید متداول، فرایندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد و توجه آن در درجه اول به زمان حال است، هرچند غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند، بررسی می‌کند (خاکی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰).

تحقیق تاریخی از مهم‌ترین ابزارهای شناخت و روشی اسنادی و حساس است و وقایع گذشته را توصیف می‌کند، آن گونه که بوده است و به بررسی و تحلیل نقادانه اسناد و دیگر مطالب بازمانده از گذشته می‌پردازد (صادقی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸).

### ۳. مبانی نظری

توجه به ابعاد شخصیتی مرد و زن از جمله مبانی نظری در این تحقیق است. آنچه لازم به ذکر است اینکه در منابع اسلامی و منطق عقل، شخصیت انسان دارای سه بعد است و در هر سه بعد تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. این ابعاد عبارت است: ۱. بعد انسانی؛ ۲. بعد علمی و فرهنگی؛ ۳. بعد اقتصادی.

در بعد اول که عمده‌ترین ارزش‌های انسانی در آن مطرح است، فرقی میان مرد و زن نیست؛ هر دو در پیشگاه خدا یکسان‌اند و هر دو می‌توانند راه قرب الهی را تا بی‌نهایت ادامه دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۹۴). قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷)؛ کسانی که کار شایسته‌ای انجام دهند درحالی که مؤمن باشند، خواه مرد باشند یا زن، به آنان زندگانی پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، می‌دهیم.

در بعد دوم، بعد علمی و فرهنگی هم بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. دلیل آن حدیث شریفی است از رسول اکرم ﷺ که می‌فرماید: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (جعفر بن محمد الصادق، بی‌تا، ص ۱۳)؛ کسب علم بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است.

در بعد سوم هم که بعد اقتصادی است، میان زن و مرد فرقی وجود ندارد؛ یعنی هریک از آنها می‌توانند نتیجه کار خود را مالک شوند. در اسلام زنان استقلال اقتصادی دارند؛ یعنی زن برای تصرف در اموال خود نیازی به اذن شوهر ندارند، برخلاف آنچه در بعضی ملل غربی که هنوز هم ادامه دارد به زن استقلال اقتصادی نمی‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۹۷). رسول اکرم ﷺ در این باره که زن و مرد هر دو مسؤلیت دارند، می‌فرماید: «کل نفس من بنی آدم سیّد؛ فالرجل سیّد أهله، و المرأة سیّدة بیتها»؛ هریک از آدمی‌زادگان فرمانروایی است. مرد فرمانروای خانواده خویش است و زن فرمانروای خانه است. پس هر دو وظیفه و مسؤلیت دارند (احمدیان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵).

شهید مطهری بیان می‌دارد که افراد بشر از لحاظ حقوق اجتماعی غیرخانوادگی، یعنی از لحاظ حقوقی که در اجتماع بزرگ، خارج از محیط خانواده نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند، وضعیت مساوی و مشابهی دارند؛ یعنی حقوق اولی طبیعی آنها برابر و مانند یکدیگر است. همه مثل هم حق دارند از مواهب خلقت استفاده کنند، مثل هم حق دارند کار کنند، مثل هم حق دارند در مسابقه زندگی شرکت کنند، مثل هم حق دارند خود را برای هریک از پست‌های اجتماعی نامزد کنند و برای به‌دست آوردن آن از طریق مشروع بکوشند و مثل هم حق دارند استعدادهای علمی و عملی وجود خود را ظاهر کنند (مطهری، ۱۳۹۷، ص ۱۴۷).

وجود برخی تفاوت‌ها در میان مسؤلیت زنان و مردان، مانند عهده‌داری منصب قضاوت یا تفاوت در تعداد شهود زن و مرد، هرگز نمی‌تواند اصول کلی برابری را در میان این دو جنس در بعد الهی و انسانی و در بعد علمی و فرهنگی و در بعد اقتصادی برهم بزند و در هر حال، باید تفاوت طبیعی این دو جنس را پذیرفت و با شعارهای دروغین، خود را در بیراهه گرفتار نساخت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۹۸).

#### ۴. حضور سیاسی زنان

در این قسمت دو مطلب بررسی می‌شود: ابتدا حضور، انتخاب و گزینش زنان در سیره عملی رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و در مرحله بعد حضور، انتخاب و گزینش زنان در مناصب اجتماعی در گفتار رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ.

##### ۴-۱. حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی در سیره عملی و تقریری نبوی

آنچه از بررسی سیره عملی رسول اکرم ﷺ به‌دست می‌آید، این است که در زمان آن حضرت زنان در مشاغل گوناگون حضور داشته‌اند و از طرف آن حضرت هیچ منعی بر تصدی این مشاغل صادر نشده است. این امر نشان‌دهنده سیره تقریری آن حضرت است. در زمان آن حضرت، زنان مهم‌ترین مشاغل (مانند شرکت در جنگ‌ها و پشتیبانی از نیروهای نظامی) را برعهده داشتند و این کار را در حضور آن حضرت انجام می‌دادند. در ذیل، به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود:

الف) چهارده زن، از جمله حضرت فاطمه علیها السلام در جنگ احد حاضر بودند. آنان غذا و آب سربازان را بر پشت خود حمل می‌کردند. همچنین به مجروحان آب می‌دادند (واقعی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۹).

کعب بن مالک می‌گوید: ام‌سلیم بنت ملحان و عایشه را دیدم که مشک بر پشت خود حمل می‌کردند و حمه بنت جحش به تشنگان آب می‌داد و مجروحان را مداوا می‌کرد و ام‌ایمن به مجروحان آب می‌داد و فاطمه زهرا علیها السلام با گروهی از زنان، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدند که صورت آن حضرت پر از خون بود. آن حضرت خون از چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله پاک می‌کردند (واقعی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۹). آنان در جنگ خیبر نیز حضور داشتند.

ب) در جنگ خیبر بعد از اینکه مسلمانان قلعه خیبر را به مدت ده روز محاصره کردند، اسلم اسماء بنت حارثه را به‌عنوان نماینده نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد که به آن حضرت سلام برساند و وضعیت گرسنگی لشکر را به ایشان اطلاع دهد. اسماء بنت حارثه خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و پیام اسلم را به آن حضرت رساند و آن حضرت هم برای آنها دعا کردند (واقعی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۵۹). این نمونه‌ای دیگر از حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله است، بی‌آنکه آن حضرت از آن منع کرده باشند.

همچنین از ام‌عمار نقل کرده‌اند که در جنگ خیبر دو اسب از قبیله بنی‌مازن بن‌النجار را ذبح کردیم و تا زمانی که قلعه صعبن معاذ را فتح نکردیم از آن می‌خوردیم (واقعی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۶۱).

همچنین ام‌عمار نقل کرده است که در قلعه صعبن معاذ آن قدر غذا و طعام یافتیم که فکر نمی‌کردم در تمام خیبر آن قدر غذا باشد. این نیز نمونه‌ای از حضور زنان دوشادوش مردان در جبهه است، بدون اینکه از آن ممانعت کرده باشند.

د) در جنگ احد از زنی به نام ام‌عمار (نسیبه) از انصار نام برده شده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرده است. او برای ام‌سعد تعریف کرده که روز شنبه من به طرف احد رفتم تا ببینم مردم چه می‌کنند. ابتدا پیروزی نصیب مسلمانان شد، ولی ناگهان اوضاع تغییر کرد و سپاه رو به هزیمت نهاد. من در آن حال خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله رساندم و با گروهی از مسلمانان همچون مصعب بن عمیر و دیگران شروع به دفاع از آن حضرت کردیم (محلّاتی، بی‌تا، ص ۱۰۵). من با شمشیری که به دست آورده بودم، از حملات دشمن می‌کاستم و گاهی تیراندازی می‌کردم.

وی می‌گوید: در آن وقت که مردم پشت به دشمن کرده بودند و فرار می‌کردند، چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به شخصی افتاد که در حال فرار بود، فرمودند: اکنون که فرار می‌کنی سپر خود را روی زمین بینداز. او سپر خود را انداخت و من آن سپر را برداشتم و از آن استفاده کردم. ناگاه متوجه شدم که مردی به نام ابن‌قمیه فریاد می‌کشد و می‌گوید: محمد کجاست؟ او پیامبر را شناخت و با شمشیر برهنه به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله حمله‌ور شد. من و مصعب او را از حرکت به سوی پیامبر بازداشتیم. او برای عقب زدن من، ضربتی بر شانه‌ام زد. با اینکه من چند ضربه به او زدم، ولی ضربه او در من اثر کرد و اثر این ضربه تا یک‌سال باقی بود.

در این لحظه، وی جای زخمی را که در شانه‌اش بود، متذکر شد و گفت: ضربه‌ای که متوجه شانه من شد بسیار کاری بود. پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه شانه من گردیدند که خون از آن فوران می‌کرد. فوراً یکی از پسرانم را صدا زدند و فرمودند: زخم مادرت را ببند! وی زخم مرا بست و من دوباره مشغول دفاع شدم. در این بین متوجه شدم که یکی از پسرانم زخم

برداشته است. در آن حال، پارچه‌هایی را که برای بستن زخم مجروحان با خود آورده بودم، درآوردم و زخم پسر را بستم. سپس برای حفظ وجود پیامبر ﷺ که در آستانه خطر بود، رو به فرزندم کردم و گفتم: فرزندم! برخیز و مشغول کارزار باش. رسول اکرم ﷺ از شهادت و رشادت این زن فداکار سخت در شگفت بودند. وقتی چشمشان به ضارب پسر وی افتاد، فوراً او را به نسیبه معرفی کردند و گفتند: ضارب فرزندان همین مرد است. مادر دل سوخته که همچون پروانه گرد وجود پیامبر ﷺ می‌گشت، مثل شیر نه به آن مرد حمله برد و شمشیری به ساق او نواخت که او را نقش زمین ساخت. این بار تعجب پیامبر ﷺ از شهادت این زن زیادتر شد و از شدت تعجب خندیدند، به گونه‌ای که دندان‌های عقب ایشان آشکار گردید. فرمودند: قصاص فرزند خود را گرفتی.

منظره دفاع این بانو به‌قدری برای پیامبر ﷺ مایه خرسندی بود که درباره این بانو فرمودند: «لما قام نسیبه بنت كعب اليوم خير من فلان و فلان» (سبحانی، ۱۳۶۳، ص ۶۷).

با نگاهی به تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ درمی‌یابیم که زنان در کارهای بیرون از خانه با مردان مشارکت داشته‌اند و این‌گونه نبوده که در خانه محبوس باشند.

ه) پس از پایان جنگ احد، هند همسر عمرو بن جموح، عمه جابر بن عبدالله انصاری، به احد آمد و شهیدان و عزیزان خود را از روی خاک برداشت و بر روی شتری انداخت و رهسپار مدینه گردید. در مدینه این خبر انتشار یافته بود که پیامبر ﷺ در صحنه جنگ کشته شده است. زنان برای یافتن خبر صحیح از حال پیامبر ﷺ رهسپار احد شدند. او در نیمه راه با همسران پیامبر ملاقات کرد. آنان از وی حال رسول خدا ﷺ را پرسیدند این زن درحالی که اجساد شوهر و برادر و فرزند خود را بر شتر بسته بود و به مدینه می‌برد، مثل اینکه کوچک‌ترین مصیبتی متوجه وی نگردیده، با قیافه باز به آنان گفت: خبر خوشی دارم و آن اینکه پیامبر ﷺ زنده و سالم است و در برابر این نعمت بزرگ، تمام مصائب کوچک و ناچیز است (سبحانی، ۱۳۶۳، ص ۷۴).

و) اسماء زنی بود که به نمایندگی زنان شهرت داشت. روزی رسول خدا ﷺ در جمع یاران خود نشسته بودند که اسماء بنت یزید انصاری (از زنان انصار) به حضور پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: من نماینده همه زنان به سوی شما هستم و این سؤال تنها پرسش زنان انصار و زنان مدینه نیست، بلکه سؤال همه زن‌هاست و هیچ زنی در مشرق و مغرب نیست، مگر وقتی سخن مرا بشنود آن را می‌پذیرد.

پیامبر ﷺ به او فرمودند: «سخن مرا بفهم و به زنانی که نماینده آنهاست اعلام کن: ثواب خوب شوهرداری زن و به دنبال رضایت شوهر بودن به اندازه تمام ثواب‌هایی است که به مردان داده شده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۴).

و) ام‌عطیه در هفت جنگ شرکت کرد (قوامی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶). واقدی به سند خود از حصه بنت سیرین نقل می‌کند که ام‌عطیه گفت: در هفت جنگ با رسول خدا ﷺ بودم و غذا آماده می‌کردم، مجروحان را مداوا می‌نمودم و بیماران را پرستاری می‌کردم (امین، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۸۲). وی از جمله در جنگ احد حضور داشت.

ابان نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ به ام‌سلیم و ام‌عطیه دستور دادند زخم‌های امیرالمؤمنین ﷺ را مداوا کنند. آن دو گفتند: ما بر جان حضرت علی ﷺ ترسیدیم. سپس رسول خدا ﷺ وارد شدند و درحالی که مردم از آن حضرت عیادت می‌کردند، پیامبر ﷺ با دستان خود آن زخم‌ها را مسح کردند و فرمودند: این مرد در راه خدا به این وضع مبتلا شده است (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۴۱، ص ۳).

ز) در جنگ حنین نیز زنانی بودند که مردانه می‌جنگیدند و از رسول خدا ﷺ دفاع می‌کردند. هنگامی که بیشتر مسلمانان پا به فرار گذاشتند و مردانی از اهل مکه زنان به شامت آنها گشودند، گروهی از زنانی که در صحنه حضور داشتند، از پیامبر خدا ﷺ دفاع می‌کردند؛ از جمله: ام‌عمار که شمشیری در دست داشت و از رسول خدا ﷺ دفاع می‌کرد. ام‌سلیم نیز با خنجرى دست به کار بود. ام‌سلیط و ام‌حارث نیز جهاد می‌کردند. ام‌عمار مردی از هوازن را کشت و شمشیر او را گرفت (آیتی، ۱۳۶۶، ص ۵۸۹). این امور دلالت بر این دارد که در سیره رسول خدا ﷺ زنان کاملاً در صحنه بودند و کارهای گوناگونی را انجام می‌دادند. حتی در جنگ‌ها حضور داشتند و از رزمندگان پشتیبانی می‌کردند و در صورت لزوم، خود شمشیر به دست می‌گرفتند و به نبرد برمی‌خاستند.

نکته جالب اینکه رسول خدا ﷺ ام‌سلیم دختر ملحا و همسر ابوطلحه انصاری را که آستن بود و پسرش عبدالله بن ابی‌طلحه را در رحم داشت، دیدند که مردانه کمر بسته است و خنجرى به دست گرفته و از رسول خدا ﷺ دفاع می‌کند (آیتی، ۱۳۶۶، ص ۵۸۹).

ح) یکی از مسائل سیاسی و اجتماعی، مسئله بیعت است که رسول خدا ﷺ بیعت مردان به جای زنان را نمی‌پذیرفتند، بلکه خود زنان باید مستقلاً بیعت می‌کردند. برای نمونه، در عقبه اول و عقبه دوم زنان همراه با مردان شرکت داشتند. در بیعت عقبه اول عفره بنت عبدالله بن ثعلبه و در بیعت عقبه دوم عماره و ام‌منیع حضور داشتند (فقهی و جمال، ۱۳۸۳، ص ۴۷۹).

ط) زنان در تاریخ اسلام در شئون سیاسی و اجتماعی حضور چشمگیری داشته‌اند. برای مثال، مسجد محلی برای مشاوره و جلسات بوده که زنان هم در آن جلسات شرکت و رأی نظر خود را بیان می‌کرده‌اند (عبدالكافی و عطوه، ۱۴۲۷ق، ص ۲۶).

از جمله این موارد می‌توان به این مطلب اشاره کرد که رسول اکرم ﷺ در روز حدیبیه به رأی و مشورت همسران ام‌سلمه عمل نمودند (فقهی و جمال، ۱۳۸۳، ص ۵۱۵). این رفتار پیامبر گرامی ﷺ بر این مطلب دلالت دارد که زن در برابر قضایای عمومی که مصلحت جامعه در آن است، می‌تواند موضع‌گیری کند.

به‌طور خلاصه، در سیره عملی رسول خدا ﷺ زنان در هجرت، در جنگ، در صلح، در بیعت و در دفاع و یاری اسلام و مسائل مشورتی، حضور داشته‌اند و از جمله در تعلیم و تربیت.

ی) ابوسعید خدری نقل می‌کند که روزی زنی نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: همه چیز را مردها گرفته‌اند. یک روز را برای تعلیم ما قرار بدهید که نزد شما بیاییم و تعلیم ببینیم. پیامبر ﷺ روز مشخصی را با آنها وعده کردند که همه جمع شوند و برایشان موعظه کنند. متن حدیث از این قرار است: «قالت النساء للنبي ﷺ غلبنا عليك الرجال فاجعل لنا يوماً من نفسك فوعدهن يوماً لقيهن فيه فوعظهن» (عبدالكافی و عطوه، ۱۴۲۷ق، ص ۷۱).

تاریخ اسلام گنجینه‌ای از زنانی است که تاریخ را ساخته‌اند، و برای زنان مسلمان همین بس که آنها توانستند فضای مناسبی برای ترویج رسالت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه ایجاد کنند و اگر آنها نبودند نهال اسلام پا نمی‌گرفت تا رشد و نمو کند (جمعی از اندیشمندان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۲).

#### ۴-۲. حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی در سیره عملی و تقریری علوی

الف) ام‌الخیر بنت‌الحریش بن‌سراقة البارقیه از تابعان و دارای فصاحت و بلاغت بود. وی در جنگ صفین با امیرالمؤمنین ﷺ بود و نقش تبلیغی مؤثری داشت (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۶۷).



ب) / عیان الشیعه از این ابی‌الحدید نقل می‌کند که امیرالمؤمنین ﷺ در روز جمل نامه‌ای نوشتند و آن را به جوانی دادند که نامش مسلم بود تا اهل جمل را به آنچه در آن نامه است، دعوت کند. اما آنها دست‌های او را قطع کردند و وی را شهید نمودند. طبری نقل می‌کند که مادرش ام‌مسلم این اشعار را در رثای فرزند خود خواند:

لا هم أن مسلم أتاهم  
الی کتاب الله لایخشاهم  
وامهم قائمة تراهم  
مستسلماً للموت إذ دعاهم  
فرملوه من دم إذ جاهم  
یا تمرون الفی لاتنهاهم  
(امین، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۷۸)

آنها نباشند! مسلم به سوی آنها آمد و آماده مرگ شده بود، درحالی که آنها را به کتاب خدا دعوت می‌کرد و از آنها نمی‌ترسید. وقتی به آنها رسید او را به خون خودش آغشتند، درحالی که مادرش ایستاده بود و آنها را می‌دید. آنها درباره طغیان مشورت می‌کردند و آن را به پایان نمی‌رساندند.

ج) سوده بنت عماره در دربار معاویه داستان شکایت خود از فرماندار امیرالمؤمنین ﷺ را که نزد آن حضرت برده بود، چنین بیان می‌کند: وقتی رسیدم، آن حضرت نماز می‌خواندند. وقتی متوجه من شدند با رأفت با من برخورد کردند. وقتی ماجرا را بیان کردم، گریستند و فرمودند: «خدایا! تو شاهد باش که من به آنها دستور ندادم ستم کنند». بعد پاره پوستی را از جیب خود درآوردند و نوشتند: «قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (اعراف: ۸۵)؛ دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است. بنابراین حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید. «وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مَفسِدِينَ» (شعراء: ۱۸۳)؛ و در زمین فساد نکنید. «بَيِّنَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود: ۸۶)؛ سرمایه‌ی حلالی را که خداوند برای شما باقی گذارده برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید. من بر شما نگهبان هستم. وقتی نامه مرا خواندی چیزهایی که از من در دست توست نگهدار تا کسی به سوی تو بیاید و آنها را از تو بگیرد. حضرت نامه را به من دادند، آن را خواندم.

معاویه خطاب به سوده گفت: علی [ع] به شما یاد داده است که بر سلطان جرئت می‌کنید (طیفور، ۱۴۲۶ق، ص ۴۹). در این نامه امیرالمؤمنین ﷺ حکم عزل والی خود را نوشتند و به سوده دادند تا به والی برساند و به هیچ وجه سوده را از این کار منع نکردند.

د) یکی از مأموریت‌هایی که امیرالمؤمنین ﷺ به زن‌ها سپردند بعد از جنگ جمل بود که آن حضرت به عایشه دستور دادند به مدینه برود. آن حضرت چهل زن را با لباس مردانه و مسلح همراه عایشه کردند و به آنها دستور دادند از راست و چپ او بروند و از او محافظت کنند. تا زمانی که آنان به مدینه نرسیدند عایشه متوجه نشد که اینها زن هستند. از این رو در بین راه امیرالمؤمنین ﷺ را نفرین می‌کرد که حرمت رسول خدا ﷺ را در حق من مراعات نکرد (مفید، ۱۳۷۴ق، ص ۴۱۵).

جدول ۱: نمونه حضور سیاسی زنان

زنان	جنگ	زنان	جنگ
حضور ۱۴ زن	جنگ احد	عفراء بنت عبدالله بن ثعلبه	جنگ جمل
اسماء بنت حارثه و ام‌عماره	جنگ خیبر	عماره و ام‌منیع	جنگ صفین
ام‌عماره، هند همسر عمرو بن جموح	جنگ احد	ام‌سلمه همسر رسول خدا ﷺ	جنگ جمل
اسماء نماینده زنان	حضور در نزد رسول خدا ﷺ	ام‌الخیبر	سوده بنت عماره
ام‌عطیه	شرکت در هفت جنگ	ام‌مسلم	مأموریت چهل زن
ام‌سلیم و ام‌عطیه	پرستاران حضرت علی ﷺ	جنگ صفین و شکایت از فرماندار	بعد از جنگ جمل
ام‌حارث و ام‌حارث	جنگ حنین		

## ۵. حضور اجتماعی زنان

در این بخش حدیثی به‌عنوان مقدمه درباره طلب روزی حلال از رسول اکرم ﷺ ذکر می‌شود که در آن طلب روزی حلال بر مرد و زن واجب دانسته شده است؛ همانند طلب علم که بر مرد و زن واجب است. در ادامه، دو دسته روایات که از رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ درباره اشتغال بانوان بیان شده ذکر می‌شود.

رسول اکرم ﷺ درباره طلب روزی حلال چنین می‌فرمایند: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۰، ص ۹)؛ طلب روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

روزی حلال به‌واسطه کار به‌دست می‌آید و لازمه آن اشتغال در بیرون از خانه است. این خود دلالت دارد بر آنکه زن می‌تواند برای کسب روزی حلال به دنبال شغل در بیرون از خانه باشد و به استخدام سازمان‌ها درآید و مناصب سازمانی را عهده‌دار گردد. حدیث مطلق است و شامل هرگونه اشتغال برای کسب روزی حلال می‌شود، بی‌آنکه بین زن و مرد فرقی قائل شده باشد.

با بررسی روایات درباره اشتغال زنان، دو دسته از روایات قابل‌بازشناسی‌اند: دسته اول غالباً برخی از عوارض حضور زنان در اجتماع را بررسی کرده است. به دیگر سخن، ناظر به شیوه حضور ایشان در جامعه است؛ دسته دوم روایاتی است که از اشتغال و مدیریت بانوان نهی کرده‌اند. برای نتیجه‌گیری و بیان دیدگاه اسلام درخصوص اشتغال بانوان، باید این دو دسته روایات را تجزیه و تحلیل نمود.

روایات دسته اول: در حدیثی امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرمایند: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، نَبَّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُوَافِقُنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ؛ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟!» و قال ﷺ: «لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ»؛ ای مردم عراق، به من خبر رسیده است که زنانتان در راه با مردان مواجه می‌شوند. آیا حیا نمی‌کنید؟! و فرمودند: خدا لعنت کند کسی را که غیرت ندارد (برجوردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۷۶).

آن حضرت در حدیثی مشابه می‌فرمایند: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، نَبَّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعُنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ؛ أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟!» وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: «أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ نِسَاؤَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ يِرَاجِمُنَ الْعُلُوجَ؟!»؛ باخبر شده‌ام که زنان شما در راه با مردان مواجه می‌شوند؛ آیا حیا نمی‌کنید؟! و فرمودند: آیا حیا نمی‌کنید و غیرت ندارید که زنان شما به بازارها می‌روند و مزاحمت ایجاد می‌کنند و راه چهارپایان را می‌بندند؟! (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷)

روشن است که این‌گونه احادیث درباره زنانی است که آرایش کرده، در بازارها حاضر می‌شوند، نه زنانی که با حفظ موازین اسلامی به بازارها می‌آیند. آنچه مسلم است نهی در این‌گونه احادیث راجع به پیامدهای حضور زنانی است که پایبند موازین شرعی نیستند و نهی در این روایات مطلق نیست تا بتوان از آنها استفاده کرد که حضور زنان در اجتماع ممنوع است و در نتیجه، فعالیت‌های اجتماعی آنها نیز ممنوع باشد، تا نتیجه‌گیری شود که گزینش و استخدام آنها در سازمان‌ها ناصحیح است.

روایات دسته دوم: با توجه به وضعیت جسمی و روحی زنان، آنها از برخی کارها منع شده‌اند و علت منع در این روایات به خاطر طبیعت احساسی و عاطفی و جسمی زنان است که نباید کاری را که از توان آنها خارج است برعهده بگیرند. این تفاوت بین مرد و زن وجود دارد.

از امیرالمؤمنین ﷺ روایت شده است که می‌فرماید: «لَا تَمْلِكِ الْمَرْءَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا، فَإِنَّ ذَلِكَ أُنْعَمٌ لِخَالِهَا وَ أَرْحَىٰ لِبَالِهَا وَ أَدْوَمٌ لِجَمَالِهَا، فَإِنَّ الْمَرْءَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰)؛ کارهایی را که در توان زنان نیست به آنها واگذار نکن؛ زیرا این کار برای توانایی آنان مناسب‌تر است و آسایش آنان را بهتر فراهم می‌کند و موجب ماندگاری بیشتر زیبایی آنان می‌شود.

البته این تفاوت فقط بین دو جنس مرد و زن نیست، بلکه در بین افراد جنس مذکر هم تفاوت قدرت جسمی و روحی وجود دارد. از این رو در واگذاری کار به آنها باید این نکته در نظر گرفته شود که کارهایی به آنها واگذار گردد که مناسب توانایی جسمی و روحی آنها باشد، و این امری عقلایی است که قرآن کریم هم به آن اشاره نموده است؛ آنجا که می‌فرماید: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶).

کبرایی که در این حدیث شریف بیان شده به امری عقلانی اشاره دارد و آن اینکه به هر کس باید به اندازه توان او مسئولیت داد. اما در تطبیق آن بر مصادیق، باید دقت شود تا موجب محرومیت زنان از مسئولیت‌های اجتماعی نگردد. البته با توجه به این نکته که امروزه سازمان‌ها با گسترش آموزش و برنامه‌های توانمندسازی صلاحیت‌های علمی و عملی کارکنان را افزایش می‌دهند، ممکن است کسی ادعا کند که با گسترش آموزش‌های شغلی پیش از گزینش و پس از آن، صلاحیت بانوان داوطلب شغلی چنان افزایش می‌یابد که دیگر کبرایی کلی در این روایت برایشان صدق نمی‌کند (توکلی و گائینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۳۶).

شیخ محمدمهدی شمس‌الدین در کتاب *اهلیة المرأة تتولى السلطة* روایاتی درخصوص عدم جواز مدیریت و اداره امور از سوی زنان نقل و آنها را نقد کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:  
الف) امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرماید: «كُلُّ أَمْرٍ يُدْبَرُهُ أَمْرَةٌ فَهُوَ مَلْعُونٌ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۸۹)؛ هر مردی که امور او را زن اداره کند ملعون است.

ب) در روایت دیگری آن حضرت می‌فرماید: «فِي خِلَافِ النِّسَاءِ الْبِرْكَةُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۸۸)؛ برکت در مخالفت با زن‌هاست.

ج) در حدیث دیگری رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «طَاعَةُ الْمَرْءَةِ نَدَامَةٌ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۱، ص ۱۸۶)؛ اطاعت از زن موجب پشیمانی می‌شود.

ایشان بعد از نقل دو روایت، استدلال آن را هم بیان می‌کند و می‌نویسد: لعن دلیل حرمت است. تولى و سلطه متعلق نهی قرار گرفته، پس تولى و سلطه حرام است. مقتضای تولى و سلطه این است که زن مطاع قرار بگیرد و وقتی در مخالفت با زن برکت وجود دارد و در اطاعت زن ندامت است، پس سزاوار است که از او اطاعت نشود؛ زیرا برکت در مخالفت و ندامت در اطاعت کاشف از آن است که زن اهلیتِ اطاعت ندارد.

سپس خود ایشان به این استدلال جواب می‌دهد، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت. اما از نظر سند، این حدیث مرسل است؛ بنابراین حجیت ندارد. اما از نظر دلالت، این روایت از محل بحث ما خارج است و بر عدم اهلیت زن دلالت نمی‌کند.

اما روایت «كُلُّ امْرِئٍ تُدْبِرُهُ امْرَأَةٌ فَهُوَ مُلْعُونٌ» به سبب چند وجه بر عدم اهلیت زن برای تولی امور دلالت ندارد؛ زیرا اولاً کلمه «امریء» شامل مرد و زن - هر دو - می‌شود. بنابراین مقتضای آن، این است که زن نتواند امور زنان را هم برعهده بگیرد، چه رسد به مردان؛ یعنی زن مطلقاً نتواند چیزی را برعهده بگیرد، حتی در امور زنان و هیچ فقیهی به این قائل نیست؛ ثانیاً ظاهر روایت این است که زن در تدبیر جمیع امور زندگی مرد استقلال داشته باشد، و این از محل بحث ما خارج است؛ زیرا محل بحث آنجاست که وی بر اساس قوانین متولی امور و مشورت شود. روایت ظهوری بر کراهت تدبیر امور عامهٔ مرد با مشورت زن و در چارچوب قوانین ندارد؛

ثالثاً ظاهر روایت این است که زن به‌طور مستقل و با استبداد در تدبیر و بدون موافقت و بدون مشورت با احدی و بدون مقید بودن به قانون، متصدی امور شود و این از محل بحث خارج است؛

رابعاً لعن دعایی است برای دور شدن از رحمت خداوند و این لعن درست نیست، مگر زمانی که مکلف مرتکب گناه به فعل حرام و یا ترک واجب شود، و در شریعت ثابت نشده است که تدبیر امور مرد یا زن توسط زن از محرمات باشد و اگر چنین بود حتماً در کتاب و سنت بیان می‌شد.

علاوه بر این، تدبیر امور مال زن است، نه مرد. پس باید او ملعون باشد، نه مرد و یا هر دو باهم باید ملعون باشند. اما دو روایت دیگر که فرمود: در مخالفت زن برکت و طاعت زن سبب ندامت است، اینها نیز از محل بحث خارج است؛ زیرا بر فرض صدور آنها از معصوم، اطلاق آنها مراد نیست؛ زیرا یقین داریم که برکت در مخالفت زن و ندامت در طاعت زن در امور الهی نیست و همچنین در اموری که مصلحت آشکاری در شئون خانوادگی و زندگی دارد و نیز در اموری که مباح است. پس باقی نمی‌ماند، مگر اموری که زن در آن استبداد رأی داشته باشد و یا در اموری که فساد آن آشکار است و مصلحتی در آن نیست (شمس‌الدین، ۱۹۹۵، ص ۱۰۷).

### نتیجه‌گیری

با بررسی سیرهٔ عملی و گفتاری دو تن از حضرات معصوم علیهم‌السلام (رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرالمؤمنین علیه‌السلام) این نتیجه به‌دست آمد که حضور زنان در اجتماع و تصدی مشاغل و مناصب گوناگون از سوی آنان هیچ منعی ندارد؛ زیرا در سیرهٔ آن حضرات زنان در مناصب گوناگونی فعالیت داشته‌اند. هیچ منعی هم از طرف آنان صادر نشده، بلکه زنان فعال در صحنه‌های گوناگون تشویق شده‌اند. از این رو گزینش بانوان در مشاغل گوناگون، با رعایت موازین شرعی و عفاف اسلامی جایز و گاهی واجب است؛ مثل پرستاری از زنان و آموزش دختران.

آنچه در برخی روایات دال بر مذمت حضور زنان در اجتماع است راجع به کیفیت حضور آنان است که اختصاص به تصدی مشاغل ندارد. روایاتی که بر منع تصدی برخی مشاغل از سوی زنان دلالت می‌کند به خاطر وضعیت جسمی، روحی، عاطفی و احساسی زنان است. بنابراین اصولاً در تمام ابعاد شخصیتی بین مرد و زن تفاوتی وجود ندارد، نه در بعد انسانی، نه در بعد علمی و فرهنگی و نه در بعد اقتصادی.

## منابع

### قرآن کریم.

- احمدیان، ابراهیم (۱۳۸۵). *نهج الفصاحه*. قم: شهاب دانش.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: نشر سخن.
- آیتی، محمدابراهیم (۱۳۶۶). *تاریخ پیامبر اسلام*. تهران: دانشگاه تهران.
- بروجردی، آقاحسین (۱۳۸۶). *جامع احادیث شیعه*. تهران: فرهنگ سبز.
- توکلی، عبدالله و گائینی، ابوالفضل (۱۳۹۲). *مدیریت منابع انسانی با رویکرد اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفر بن محمد الصادق (بی تا). *مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقه*. ترجمه حسن مصطفوی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- جمعی از اندیشمندان (۱۳۸۵). *حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی (مجموعه مقالات)*. تهران: مجمع جهانی تقریب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *زن در آئینه جلال و جمال*. قم: اسراء.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۳). *مقدمه بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۸۳). *روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دهنوی، حسین (۱۳۷۶). *روش تحقیق*. تهران: معروف.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۳). *فروع ابدیت*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سعادت، اسفندیار (۱۳۸۹). *مدیریت منابع انسانی سازمان*. تهران: سمت.
- سیدجوادین، رضا (۱۳۸۳). *مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان*. تهران: نگاه دانش.
- شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۹۹۵). *أهلّیه المرأة لتولی السّلطة*. بیروت: المؤسسة الدولية للداراسات و النشر.
- صادقی، قاسم (۱۳۹۲). *روش‌های مطالعه و پژوهش*. تهران: ویرایش.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق). *مشکاة الانوار فی غرر الأخبار*. نجف: المكتبة الحیدریه.
- طیفور، احمد بن ابی طاهر (۱۴۲۶ق). *بلاغات النساء*. بیروت: مكتبة العصریه.
- عبدالكافی، اسماعیل عبدالفتاح و عطوه، محمد سعید (۱۴۲۷ق). *حقوق المرأة فی الاسلام*. مصر: مركز الاسكندریه للكتاب.
- عبداللهی، بیژن و نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۸۶). *توانمندسازی کارکنان: کلید طلایی مدیریت منابع انسانی*. تهران: روان.
- فقهی، رسول و جمال، محمد (۱۳۸۳). *زن در اندیشه اسلامی*. ترجمه محمود ابراهیمی. تهران: نشر احسان.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۷۶). *روش‌شناسی مطالعات دینی*. مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
- قوامی، صمصام‌الدین (۱۳۸۶). *مدیریت از منظر اسلام*. تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الكافی*. قم: دارالحدیث.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق). *الكافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). *بحار الانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

— (بی‌تا). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). سیری در سیره نبوی. قم: صدرا.

— (۱۳۹۷). نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا.

مفید، محمد بن نعمان (۱۳۷۴). الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره. قم: مکتب الاعلام البصری.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه ایران.

— (۱۳۸۰). پیام امام امیرالمؤمنینؑ. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نادری قمی، محمدمهدی و فهیمی، رجب‌علی (۱۳۹۳). معرفی مشاغل جنسیتی از منظر اسلام، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۴(۱)، ۷۷-۹۸.

نقی پورفر، ولی‌الله (۱۳۸۲). مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.

واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۴ق). المغازی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.